
نقش رهبران الهی در ایجاد تمدن‌ها (با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب)

ریحانه سادات هاشمی (شهیدی) (نویسنده مسئول)^۱

سحر هاشمی جوادی^۲

چکیده

پیامبران، در صدد ایجاد تمدن الهی برای انسان‌ها بوده‌اند. آنان سازه‌های تمدنی را بر اساس ارتباط با عالم ماوراء، برای ساختن جامعه به کار گرفته‌اند. ارکان نظام تمدن الهی بر اساس عقاید، اخلاق، اقتصاد، سیاست، حقوق و قوانین شکل می‌گیرد و انبیاء الهی در صدد اصلاح این ارکان بوده و دستاوردهای بزرگ علمی و فرهنگی در این راستا به دست آورده‌اند. سؤال این تحقیق در جهت شناسایی چگونگی نقش پیامبران در ایجاد تمدن هاست و اهمیت این موضوع در شناسایی مبانی حکومت الهی نهفته است که به دست انبیاء ایجاد شده و ضرورت آن شناخت نیازهای جامعه و اصلاح آن‌ها بر اساس عملکرد پیامبران پیشین است. با توجه به تمدن‌سازی انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم برای جهانیان، الگوگیری از شیوه‌های انبیاء در این امر راهکاری راهبردی در عرصه‌های مختلف

۱. استاد حوزه و هیأت علمی مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، مدرس جامعه الزهرا.

Rey.hashemi@chmail.ir

۲. فارغ التحصیل رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. Sahar.hashemi77@gmail.com

است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دستاوردهای حاکمیتی پیامبران در عرصه‌های دنیایی به پیشرفت جامعه منجر شده و از لحاظ اخروی سعادت انسان‌ها را تضمین کرده‌اند. این تحقیق بر اساس منابع کتابخانه‌ای و باشیوه توصیفی، تحلیلی به نگارش درآمده است.

واژگان کلیدی: پیامبران، تمدن، ارکان تمدن، بیانیه گام دوم

مقدمه

خداوند متعال انسان را جهت تکامل در زمین قرار داد و برای رهنمون شدن وی به سعادت در این کره خاکی انبیاء را به‌عنوان برگزیدگان عالم هستی، برای رشد و تکامل آن‌ها گسیل داشت. پیامبران در عالم هستی بر اساس منطقه مأموریت خویش بر اساس ظرفیت‌های موجود در محیط و افراد، سعی در ایجاد ارتباط بین خدا و مردم کرده و آن‌ها را به سوی پیشرفت مادی و معنوی دعوت می‌کردند.

شناسایی سازه‌های تمدنی انبیاء از آن‌جا اهمیت دارد که آنان با توجه به سازه‌های تمدنی سعی کردند ضمن ارتباط با خداوند متعال و عالم متافیزیک، انسان‌های اطراف خود را با خود و یکدیگر پیوند داده و در این راستا محیطی توحیدمحور در اعتلای جامعه تشکیل دهند.

ضرورت شناخت ارکان جامعه توحید محور انبیاء، انسان را بر آن می‌دارد که ارکان جامعه را شناخته و آن‌ها را بر اساس سازه‌های تمدنی بنیان نهد. ارکان جامعه، بر اساس این سازه‌ها بر چندین محور استوار است و نظام تمدنی بر پایه توحید بنا شده و سایر ارکان حول محور آن می‌چرخد. پیامبران بر پایه عقل، انسان‌ها را دعوت کرده و با محور قرار دادن اخلاق، سعی در ایجاد عدالت و قوانین الهی در جامعه کرده‌اند. سایر قوانین جامعه از قبیل سیاست و اقتصاد نیز حول محور عدالت الهی استوار گشته و جامعه توحیدی را بنیان نهاده‌اند. انبیاء در این راستا نه تنها زندگی اخروی انسان‌ها، بلکه زندگی دنیوی انسان‌ها را استعلا بخشیده و مردم را به مدینه فاضله راهنمایی کرده‌اند.

شناخت چگونگی عملکرد پیامبران در این راستا، کمک شایانی به دستیابی به مبانی حکومت اسلامی و راهکارهای اجرایی آن می‌کند. اهمیت و ضرورت این مطلب هنگام بررسی و شناخت نیازهای جامعه جهت اصلاح زیرساخت‌ها و بنای جامعه‌ای قوی و نیرومند از جهت قانون و مسائل اجرایی است.

شناسایی سازه‌ها و ارکان تمدنی انبیاء با بررسی منابع متقدم این امکان را فراهم می‌کند که با همگام‌سازی دانش‌های امروزی و بیانات مقام معظم رهبری با روش کتابخانه‌ای، امکان بهره‌وری از این سازه‌ها و ارکان تمدنی با شیوه توصیفی - تحلیلی در این مقاله فراهم شود.

۱. مفهوم‌شناسی

تمدن از ریشه «مدن» به معنی «شهر» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۱۲/۴) که بعضی آن را از ریشه «دان» دانسته و میم آنرا زاید گرفته‌اند (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۴۴/۶). تمدن به معنی خروج از جهل و دخول به راه انسانیت و ترقی است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۴۴/۶) و در منابع متأخر «تمدن» به معنی شهر نشینی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰۲/۲. بستانی، ۱۳۷۵: ۸۰۰. قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۴/۶) آمده و به کسی که به اخلاق اهالی شهر در آید، «متمدن» می‌گویند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۵۷/۱۱).

در قرآن «اعراف/۱۲۳» و نهج‌البلاغه «مدینه» به معنای شهر آمده است (امام علی علیه السلام، ۱۴۱۴: ۲۶۳)،^۱ هرچند لفظ تمدن در قرآن به کار نرفته ولی واژه‌هایی همچون «قرن» و «قریه» مترادف آن است که مراد از آن فرایند رشد و بالندگی جامعه‌ای قدرتمند و ثروتمند بر پایه سنتها و قوانین است (عیسی زاده، ۱۳۹۶: ۵۴). واژه انگلیسی «Civilization» از ریشه «Civiliz» به معنای مدنیت و رهایی از وحشی‌گری است (حییم، ۱۳۶۹: ۲۳۵/۱). تمدن در اصطلاح اشاره به شیوه زندگی در جامعه شهری یا همان اجتماعی شدن دارد

۱. «أَيُّنَ الَّذِينَ... مَدَّنُوا الْمَدَائِنَ: كَجَائِدِهَا كَمَا هِيَ شَهْرًا بِنَاكَرْدِنَا، خ: ۱۸۲».

(ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲۲۹). به عبارت دیگر تمدن پدیده‌ای به هم تنیده است که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۵۸)، دینی و حتی هنر و ادبیات را شامل می‌شود (لوکاس: ۱۳۸۴، ۱۶/۱)؛ یعنی ارتباطات افراد یک جامعه در امور اجتماعی، و سیاسی و... را تمدن گویند. بنابراین تمدن صرف شهرنشینی نیست بلکه اشاره به باورها و فرهنگهای جامعه شهری دارد که با کمک آن‌ها انسان می‌تواند در مسیر کمال گام نهد.

ارکان؛ به نواحی قوی از اطراف کوه یا خانه یا قصر را «رکن» گویند که جمع آن ارکان می‌باشد (صاحب، ۱۴۱۴: ۶/۲۴۸).

پیامبر به عربی به معنای «نبی» (زمخشری: ۱۳۸۶، ۳۱) است که چنانچه از ریشه «نبو» گرفته شود به معنای کسی است «قدر و منزلت او بلند است و بر سایر خلق شرافت دارد» (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵/۳۴۹) و اگر از ریشه «نبأ» اخذ شود به معنای کسی است که از جانب خدا خبر می‌دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۱۶۲). بنابراین پیامبران، کسانی هستند که از جانب خداوند خبر را گرفته و به مردم ابلاغ می‌کنند و دارای شرافت نزد خداوند می‌باشند.

بیانیه گام دوم: بیانیه‌ای که توسط مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران منتشر شد. این بیانیه با گذشت چهل سال از انقلاب، دومین گام انقلاب را «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» معرفی کرده است (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

۲. پیشینه تحقیق

منابع زیادی پیرامون تمدن نوشته شده است، ولی در رابطه با تمدن‌سازی انبیا منابع محدودی به نگارش درآمده است. کتاب «درسنامه تدبیر در سیره تمدن‌ساز انبیا علیه السلام» نوشته محمدحسین الهی‌زاده؛ پیرامون تمدن هر یک از انبیا به تنهایی سخن رانده، ولی به صورت موضوعی نقش تمدنی را بررسی نکرده و پر کردن این خلأ بر عهده این مقاله

است.

در رابطه با تمدن، پایان نامه «نقش پیامبران ابراهیمی در بنیان تمدن» از زهرا سلیمانی، تنها به نقش پیامبران ابراهیمی پرداخته و جنبه‌های ارشادی و سیاسی را به صورت جداگانه بررسی کرده است. این مقاله علاوه بر نقش پیامبران غیر ابراهیمی به برخی از تأثیرات تمدنی انبیاء به صورت مجموعی اشاره کرده است.

برخی مقالات تنها به نقش پیامبر اسلام ﷺ در تمدن‌سازی اشاره داشته‌اند؛ همچون «پیامبر اسلام ﷺ و جهان‌بینی تمدن ساز دینی؛ از شکرالله خاکرند، اصغر منتظرالقایم، ومحمدعلی چلونگر» حال آن‌که این تحقیق تأثیر عملکرد مجموع پیامبران را در طول دوران تمامی انبیاء مورد بررسی قرار می‌دهد.

این مقاله علاوه بر آنچه در منابع پیشین درباره تمدن‌سازی هریک از انبیاء به صورت جداگانه مطرح شده است، به زیربنای تمدن‌ها از جمله سازه‌های تمدنی و ارکان تمدنی پرداخته و در نهایت به نمونه‌هایی از دستاوردهای حاکمیتی انبیاء در عرصه فناوری و اجرای قوانین الهی اشاره کرده است.

۳. سازه‌های تمدنی

سازه یعنی الگو یا روابط بین اجزای یک پدیده؛ چارچوب، محورها، ستون‌ها و پایه‌های یک پدیده، که دارای ارتباط خاصی بایکدیگر هستند تا کل پدیده را شکل دهند و زمینه و مرزهای فعالیت آن باشند (مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف، ۱۳۹۹).

خداوند متعال برای ایجاد تمدن برای بشریت برنامه‌ای قانونمند برای زندگی به پیامبران ارائه داده که حاوی پیشرفت‌های مادی و معنوی برای زندگی انسان است. در آیات فراوانی علاوه بر اشاره به جوامع متمدن گذشته، به بهره‌مندی آنان از امکانات مادی و معنوی اشاره می‌کند که می‌توان آن‌ها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد.

الف) آیاتی که به تشکیل حکومت‌ها اشاره دارد؛ همچون حکومت سلیمان «بقره/۱۰۲، نمل/۱۸۱۶، ص/۳۸۳۴»، حکومت داود نبی «ص/۲۰۱۷ و ۲۶، بقره/۲۵۱»، حکومت ذو

القرنین «کَهف / ۹۸۸۳»، حکومت یوسف «یوسف / ۵۴»، ۵۶، ۱۰۱-۱۰۰، حکومت حضرت محمد ﷺ «توبه / ۸۶»، نور / ۵۴-۵۳ و ۵۶، احزاب / ۱۳ و ۳۶، محمد / ۳۳، تغابن / ۱۲، ...»... که حکومت‌هایی است که به دست انبیاء به وجود آمده، اما حکومت‌های غیر الهی همچون حکومت فرعون «بقره / ۴۹»، اعراف / ۱۰۳ و ۱۰۵ و غافر / ۲۹ و...»، حکومت ملکه سبا «نمل / ۲۲-۲۳، ۳۳-۳۲» نیز در آیات بدان اشاره شده است.

ب) آیاتی که به معماری و ساخت‌وسازها اشاره دارند: ساختن تندیس‌ها و ساختمان‌های عظیم توسط جنیان «سبأ / ۱۳»، ساختمان‌سازی قوم ثمود «اعراف / ۷۴»، سد فولادین ذوالقرنین «کَهف / ۹۸۹۶».

ج) آیاتی که به صنایع اشاره دارند: صنعت ذوب فلزات توسط ذوالقرنین «کَهف / ۹۶»، صنعت سدسازی قوم سبأ «سبأ / ۱۶»، گوساله سامری «طه / ۸۸»، کشتی‌سازی نوح «قمر / ۹»، ۱۴۱۳، کشاورزی «انعام / ۶، ابراهیم / ۳۲، ...»، باغداری قوم ثمود «شعراء / ۱۴۱-۱۴۸، دخان / ۲۵-۲۶»، دامداری و چوپانی که شغل بسیاری از انبیاء بوده است مانند: حضرت موسی «قصص / ۲۷، طه / ۱۰، ۱۳، ۱۸۱۷»، دختران حضرت شعیب ؑ «قصص / ۲۳»، نجاری حضرت نوح ؑ «هود / ۳۷، مؤمنون / ۲۷»، آهنگری و زره‌بافی حضرت داوود ؑ «سبأ / ۱۱۱۰» و...

د) آیاتی که به نیروهای نظامی اشاره می‌کنند: لشکر حضرت سلیمان ؑ «سبأ / ۱۳-۱۲»، ملکه سبأ «نمل / ۲۲، ۳۰، ۳۳»، لشکریان پیامبر اسلام ﷺ «آل عمران / ۱۲۱»، ... و) آیاتی که به هنرها اشاره دارند: قصر آبگینه حضرت سلیمان ؑ «نمل / ۴۴»، هنر مجسمه‌سازی «اعراف / ۱۴۸، سبأ / ۱۳-۱۲»، ساختن قصرها «اعراف / ۷۴» و...

انبیای الهی سعی کرده‌اند از توانمندی‌هایی که خداوند در اختیار بشر نهاده، برای رشد و تعالی دنیوی و اخروی انسان‌ها بهره گرفته و تمدن الهی را در جامعه بشری بنیان‌گذاری کنند. ارتباط انبیاء با امت‌های پیشین از طرق گوناگون بوده که می‌توان آن‌ها را بر اساس سازه‌های تمدنی در چهار محور ارتباط با محیط، ارتباط با هم‌نوع، ارتباط با خود، ارتباط با

ماوراء بررسی کرد.

۱.۳. ارتباط با محیط

اولین نقش انسان‌ها در ایجاد تمدن را می‌توان در محور ارتباط با محیط بررسی کرد. انسان از ابتدایی‌ترین شکل اجتماع - یعنی چادر نشینی به یکجا نشینی روی آورد و به تدریج اجتماعات بشری را شکل داد و با ایجاد شهر، نخستین کانون اجتماع تمدنی بنیان شد (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۵). ابتدایی‌ترین تمدن پیامبران بر اساس آیات مربوط به حضرت آدم علیه السلام است که بر روی زمین فرود آمد و تمدن انسانی را بنا نهاد و زمان ادریس نبی علیه السلام این تمدن گسترش یافت (عسکری، ۱۳۸۶: ۱/۲۲۹۲۲۲۸) و تمدن‌سازی انبیا در شرق و غرب عالم گسترش یافت، زیرا خدا برای هر امتی رسولی فرستاد (نحل/۳۶) و هیچ امتی را بدون پیامبر رها نکرد و با نایبان انبیا این رسالت را کامل کرد (مغنیه، ۱۴۲۴، ۲/۴۹۲). در نتیجه امنیت و رونق اقتصادی، زمینه ابداع و اختراع فراهم شد و درهای علم و معرفت به روی بشر گشوده شد و ابزار توسعه تمدنی و فرهنگی پدید آمد (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۷).

فرهنگ‌ها «رفتار ساز» و تمدن‌ها «فرهنگ ساز» هستند. فرهنگ، بخش نرم‌افزاری دستاورد بشری است و تمدن بخش سخت‌افزار این دستاوردها است که تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. فرهنگ به معنای دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت (معین، ۱۳۸۸: ذیل واژه مورد نظر)، حرفه، فنون، هنر، آموختن، به کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل کاربرد دارد (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه مورد نظر). فرهنگ مفهومی گسترده است که شامل ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری می‌باشد. در اندیشه امام خمینی علیه السلام مفهوم تمدن از فرهنگ متمایز شده است، ایشان در مورد فرهنگ می‌فرمایند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد» (خمینی، بی‌تا: ۴/۲۶۹هـ. ۲۷).

ویژگی‌ها و شاخصه‌های عمومی فرهنگ‌ها هویت بخش انسان بوده و وجه تمایز میان

تمدن‌هاست، ضمن این‌که فرهنگ میراث گذشتگان است که سرمایه‌های معنوی و آثار هنری، فکری و ادبی جامعه را دربرگرفته و به رفتار افراد جامعه نقش و شکل داده و ضمن این‌که محصول فکری انسانهاست، راهبر جامعه است که می‌توان آن را حاصل کمال بشری دانست (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۳۹).

۲.۳. ارتباط با هم‌نوع

یکی از سازه‌های تمدنی، ارتباط افراد یک جامعه با یکدیگر است. تمدن به معنی برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسانهای یک جامعه است که تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را جایگزین آن سازد، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد (جعفری، ۱۳۷۳: ۶/۲۳۳). انبیاء با افراد جامعه اعم از مؤمن، کافر و مشرک «اعراف/۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵؛ ملک/۲۸» ارتباط برقرار می‌کردند. آیات قرآن حکایتگر این ارتباط است که پیامبران با بشارت و انداز اقوام آن‌ها را به سعادت دنیا و آخرت رهنمون می‌کردند «بقره/۲۱۳» و هر پیامبری از قوم خود برگزیده می‌شد و بر امت خود مبعوث می‌گردید (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۲/۳۱۲) بدین وسیله ایجاد ارتباط با هم‌نوعان به واسطه هم‌زبانی و آشنایی با فرهنگ افراد میسرتر می‌گردید، زیرا افراد هر جامعه پذیرش بیشتری به هم‌وطن خود دارند.

ارتباط با هم‌نوع امروزه منحصر به ارتباط فیزیکی نیست و یکی از راه‌های انتقال فرهنگ وسایل ارتباطی است که در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد. بر این فرهنگ کشورهای که امکانات و وسایل ارتباطی را در اختیار دارند، بر فرهنگ‌های بومی تأثیرگذارند و یکی از ابزار جهانی‌سازی غرب استفاده از وسایل ارتباط جمعی است که فرهنگ‌های بومی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب تحقیر فرهنگ و هویت‌های فردی، قومی، ملی و مذهبی این ملل می‌گردند (ر.ک: خزایی، ۱۳۸۷).

گسترش وسایل ارتباط جمعی، فرصت آشنایی و شناخت ویژگی‌های فرهنگی جوامع

دیگر را می‌دهد و این امکان موجب شده تا فرهنگ‌ها، آداب و رسوم مختلف از مرزهای محدود ملی فراتر رفته و ارزش‌های مشترک جهانی در حال شکل‌گیری است (امیری، بی‌تا: ۱۷۳۰). هرچند وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها در اختیار همه کشورها قرار دارد، ولی به دلیل سیطره ابرقدرتها بر این رسانه‌ها، سانسور خبری و انتقال فرهنگ از سوی ابرقدرتها صورت گرفته و یکی از راه‌های انتقال فرهنگ سایر ملتها از راه بومی‌سازی این رسانه‌ها امکان‌پذیر است و این امری است که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: ۱۴۰۰/۱/۱).

۳.۳. ارتباط با خود

نفس انسانی دارای امور فطری و ابعاد وجودی گوناگون است. یکی از ویژگی‌های انسان شناسی قرآن این است که مسأله «نفس یا خود» را به‌طور خاص مطرح کرده «مائده/۱۰۵» و پیش از رابطه انسان با دیگران، ارتباط انسان را با خود تبیین کرده است. اگر این خود انسانی اصلاح شود، سایر امور نیز اصلاح شده و اگر این خود تخریب شود، سایر امور نیز به ویرانی کشیده خواهند شد (غضنفری و ضرغام: ۳۷/۱).

انسان موجودی خودآگاه بوده و به همین دلیل قدرت ایجاد ارتباط با خویشتن را داراست و بهتر از هرکس به خود و عملکردهای خود آشناست «قیامت / ۱۴ و ۱۵». این ارتباط به معنای پیوند و رابطه او با حقیقت خود در نظام هستی و توانایی‌های خویش می‌باشد (آل بویه، ۱۳۸۸: ۵۲/۵۹). ارتباط انسان با خود بر دو پایه خودشناسی و خودسازی استوار می‌گردد؛ یعنی انسان با خودشناسی می‌تواند استعدادهای خویش را شناخته و سپس بر اساس آن، خود را ساخته و به سوی کمال نهایی حرکت کند. انسان در وجود خود به صورت فطری از بینش‌ها و گرایش‌هایی برخوردار است و با استفاده از علم و آگاهی در کنار گرایشات فطری می‌تواند به کمال رهنمون شود. این علم در کنار گرایشات فطری منشأ ارتباط انسان با خویشتن می‌باشد (آل بویه، ۱۳۸۸: ۵۳/۵۹). پیامبران بر اساس تعالیم الهی، بینش‌های لازم را به انسان داده و موجب جهت‌دهی صحیح گرایش‌های انسان برای رسیدن

به تعالی و کمال مطلوب می‌شوند، آنان ابتدا ارتباط خود را با خدا تقویت کرده، آن‌گاه به ایجاد ارتباط بین خود و دیگران برای ارتباط انسان‌ها با خدا می‌پردازند.

در مقابل بینش الهی، بینش اومانیزم و مادپگرانه است که انسان را در جسم مادی منحصر کرده و از عظمت روحی او غافل شده است. در این بینش انسان هدفی جز لذات جسمانی نداشته و از استعداد های وجودی خود تنها در راه ارضای خود و سودجویی از دیگران بهره جسته و موجبات انحطاط شخصیت انسانی می‌شود (آل بویه، ۱۳۸۸: ۵۳/۵۹) و در پی آن موجب ضایع شدن حقوق دیگران می‌گردد. این امر موجب دور شدن انسان از حقیقت الهی خود شده و هرچند به ظاهر به مدنیت مادی دست یافته، اما در حقیقت از وجود حقیقی و فطری خود فاصله گرفته و از تمدن حقیقی یعنی حیات طیبه مادی و معنوی فاصله می‌گیرد.

پیامبران درصدد احیای فطرت انسانی بوده و انسان‌ها را به سوی حیات الهی سوق می‌دهند، بر همین اساس قرآن انسان‌ها را به سوی حیات طیبه دعوت می‌کند «انفال/۲۴»، حیاتی که بر مبنای اندیشه و ایمان به خدا در جهت منطقی و تعالی قرار گرفته است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۴۵/۹). به دست آوردن این کمال انسانی جز از راه ایمان و عمل صالح امکان‌پذیر نیست «نحل/۹۷» امری که انبیای الهی در پی آن بوده‌اند و با تحقق آن زمینه های تمدن اسلامی در حیطه فردی شکل می‌گیرد.

نمونه عملی ارتباط انسان با خود را می‌توان در مؤمن آل‌یس یافت که نه تنها خود با هدایت انبیای الهی به نهایت درجه ایمان رسید، بلکه دیگران را نیز دعوت به توحید کرده و در حمایت خود از انبیای الهی کوتاهی نکرد و در این راه شربت شهادت نوشید و در جوار قرب رحمت الهی قرار گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۵۶/۱۸).

۴.۳. ارتباط با ماوراء

خداوند متعال عالم هستی را به صورت یک مجموعه منسجم و با برنامه‌ریزی کامل آفرید. تمام اجزای این مجموعه به صورت هماهنگ با یکدیگر عمل کرده و در یکدیگر

اثرگذار هستند. نظم و هماهنگی موجود در آفرینش موجودات و عالم هستی، دلیل بر وجود هدف و غرض برای آفرینش است و نشان از مدبری عالم، با اراده‌ای حکیمانه دارد (آل بویه، ۱۳۸۸: ۴۸/۵۹).

خداوند از طریق پیامبران با انسان‌ها ارتباط برقرار کرده و برنامه زندگی انسان‌ها را سامان می‌دهد. این ارتباط گاه به صورت مستقیم با خداوند بوده و گاه از طریق فرشته وحی انجام می‌پذیرد. خداوند ارتباط و حیانی را بر تمامی انبیاء مطرح کرده «نساء/۱۶۳» و از این طریق اموری را آموزش می‌دهد که انسان‌ها پیش از آن اطلاعی درباره آن نداشته‌اند «هود/۴۹». خداوند متعال منکران نزول وحی بر پیامبران را سرزنش کرده و پیامبر ﷺ به انسان‌ها تذکر می‌دهد که الله پروردگار شماست، چرا با اندکی تذکر در صدد فهم الوهیت، خلقت و تدبیر الهی بر نمی‌آیید؟ (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۱۰/۱۰)

ارتباط انسان با خداوند باعث رشد و تعالی آن‌ها شده و در مقابل انسانی که خدا را فراموش کند، اسمای حسنی و صفات علیای الهی را به فراموشی می‌سپارد که ارتباط مستقیم با صفات ذاتی انسان دارد و کسی که خدا را فراموش کرد، نیاز ذاتی خود را به خدا از یاد برده و خود را در هستی مستقل می‌پندارد و گمان می‌کند حیات، قدرت و علم را از خود دارد و سایر اسباب طبیعی عالم را مستقل پنداشته و گمان می‌کند که خود این اسباب تأثیرگذار یا تأثیرپذیر هستند (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۹/۲۱۹).

برخی تمدن را مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی دانسته‌اند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰۷/۹) که رهاورد انبیای الهی است. مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را به معنای همراهی علم با اخلاق، مادیات با معنویات و قدرت سیاسی با عدالت دانسته که در مقابل آن تمدن غربی وجود دارد که نشانه‌های انحطاط آن، علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و قدرت بدون عدالت در دنیای امروز مشهود است (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

خداوند به‌عنوان قانون‌گذار عالم هستی، مجموعه قوانین را تحت عنوان دین از طریق

انبیا در اختیار بشر قرار داده است. دین به عنوان عاملی رفتارساز، پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی بوده و به نیازهای تمدنی از قبیل ساختار و سیستم‌های اداره‌کننده جامعه پاسخی پایدار می‌دهد. انبیاء از طریق ارتباط با ماوراء این نیازها را پاسخ داده و انسان‌ها را به سمت کمال هدایت کرده و به سوی رشد جامعه و تمدن سوق می‌دهند.

۴. ارکان نظام تمدن و نقش پیامبران در ایجاد آن

واژه «رکن» به معنای اطراف یک چیز و بخش قوی آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۳۰) که بدان تکیه می‌شود (ابن درید، ۱۹۸۸: ۲/۷۹۹. راغب، ۱۳۷۴: ۳۶۵). بنابراین ارکان تمدن، بخش‌هایی از تمدن است که برپایه آن‌ها تمدن بنیان‌گذاری شده و بدون آن‌ها تمدن پابرجا نمی‌ماند.

مدنیت و تمدن در عالم هستی توسط انبیای الهی بر اساس دعوت و حیانی پایه‌گذاری شده است «بقره/۴۶. انبیاء/۹۳. مؤمنون/۶۰». خداوند متعال برای رساندن انسان‌ها به تعالی، پیامبران را واسطه فیض در عالم هستی در امور مادی و معنوی قرار داده است «اعراف/۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵». پیامبران برای رساندن انسان‌ها به غایت هستی، واسطه ایجاد قابلیت در انسان‌ها بوده (لطیفی، ۱۳۸۶: ۲/۶۰۵۹) و بر اساس سازه‌های تمدنی، راه صعود برای سایر انسان‌ها را فراهم می‌کنند. بر اساس درجات انبیاء مختلف، تمدن‌های مختلفی بنیان‌گذاری شده تا بدانجا که پیامبران اولوالعزم پایه‌گذاران تمدن‌های بزرگ بوده و پیامبر اسلام ﷺ تمدن بزرگ نوین اسلامی را بنیان‌گذاری کرد.

ارکان زیادی برای تمدن در منابع مختلف نام برده شده است؛ از جمله: امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، معرفت و بسط هنر (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۸)، دین‌باوری و خدامداری (اداره کل معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۲: ۱/۲۱)، یکتاپرستی، عدالت، آزادی تعقل و اندیشه (بینش، ۱۳۸۸: ۲۶.۲۲)، فرهنگ، علم و اقتصاد (ترکی، ۱۳۹۸: /https://shahrekord.iqna.ir/fa/news ...)

مقام معظم رهبری شاخصه‌های تمدن اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت

های مادی و معنوی دانسته‌اند که خداوند برای سعادت و تعالی انسان در عالم طبیعت و وجود انسان قرار داده است. تمدن اسلامی را می‌توان در حکومت مردمی، قوانین قرآنی، اجتهاد، پرهیز از ارتجاع و التقاط، رفاه و ثروت عمومی، استقرار عدالت، رهایی از اقتصاد ویژه‌خواری و ربوبی، اخلاق انسانی، دفاع از مظلومان، تلاش و کار و ابتکار مشاهده کرد که از لوازم این تمدن‌سازی نگاه اجتهادی به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، تا روابط بین‌الملل و غیره است (<https://www.leader.ir>: ۱/۹/۱۳۹۲).

در این مقاله ارکان تمدن اسلامی بر شش پایه جهان‌بینی توحیدی، عقلانیت و خردورزی، معنویت و اخلاق محوری، قانون و عدالت محوری، سیاست و اقتصاد بنیان نهاده شده است تا کلیات تمامی ارکان نام برده توسط سایر اندیشمندان را در برگیرد.

۱.۴. عقاید دینی بر اساس جهان‌بینی توحیدی

عقاید تمدن‌های الهی مبتنی بر توحید بنیان‌گذاری شده است که نبوت و معاد نیز جزء ارکان اصلی آن محسوب می‌شود. محور دعوت انبیاء بر اساس پذیرش توحید «توبه/۳۱، انبیاء/۲۵» و ایمان به خداوند متعال و کتاب‌های او و پیامبران او و عدالت «حدید/۲۵» و معاد «صافات/۴، ۵، ۱۱» قرار دارد. توحید نخستین شعار همه پیامبران الهی بوده است که از جمله ایشان می‌توان حضرت نوح، عاد، ثمود، شعیب را نام برد که با عبارت «یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ: ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست» قوم خود را به یکتاپرستی دعوت می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ۲۱۹-۲۵۰).

در نهادهای حقوقی الهی منشأ قانون‌گذاری خداوند متعال است «انعام/۵۷»، حکومت و سیاست با او مشروعیت یافته و اقتصاد بر پایه قسط و عدالت شکل می‌گیرد «هود/۸۵، انعام/۱۵۲». قرآن سنگ بنای تمدن‌های انسانی را خدا می‌داند چرا که اساس خلقت موجودات، مانند خلقت باران «بقره/۲۲»، باغ‌ها «انعام/۹۹»، انواع غذاها، گیاهان، درختان «عبس/۲۴-۳۲» علم و معرفت و توان انتقال آن به دیگر نسل‌ها «علق/۴-۵» منسوب به

خداوند متعال است.

اعتقاد به خداوند تمدن انسانی را از پوچ‌گرایی بازداشته و موجبات آرامش جامعه را فراهم می‌سازد. در چنین تمدنی در کنار عقل معاش، عقل معاد اهمیتی دو چندان می‌یابد، زیرا مبنای جهان‌بینی توحیدی، به این دنیای فانی ختم نشده، بلکه آغازی برای زندگی جاودانه اخروی است (شکرانی، ۱۳۹۶: <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=93228>).

در جهان‌بینی الهی بهره‌گیری مادی از جهان تنها عامل تأمین خوشی انسان نیست، بلکه ارزش‌های معنوی تضمین‌کننده سعادت انسانی است و سعادت فرد از سعادت جامعه جدا نیست (مطهری، بی‌تا: ۵۱۷/۱۶). در جهان‌بینی مادی ترک لذت‌گرایی بی‌معنی است، حال آن‌که در جهان‌بینی الهی تقویت جسم و روح در کنار یکدیگر قرار گرفته و به تعالی روح انسانی می‌انجامد و انبیای الهی ضمن آموزش بهره‌مندی صحیح جسم از لذت‌های مادی، به پرورش روح انسان‌ها پرداخته و با پرورش جسم و روح در کنار هم موجبات تعالی انسان‌ها را فراهم می‌آورند.

۲.۴. عقلائییت و خردورزی

خداوند متعال انسان‌ها را به سوی خردورزی و تعقل دعوت کرده و پیامبران در دعوت توحیدی خود و راهنمایی انسان‌ها بر خردورزی و تعقل انسان‌ها پای فشرده‌اند «آل عمران/۶۵، انعام/۱۵۱، اعراف/۱۶۹، هود/۵۱ و...». از این رو خدا یهودیان و مسیحیان را سرزنش می‌کند که به جدل‌های بیهوده در مورد انبیاء پیشین پرداخته‌اند و از عقل خود در این راه بهره نمی‌برند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۶۰۴/۲).

انبیای الهی انسان را به سوی تفکری هدفمند فرا می‌خوانند، نه از نوع تفکراتی که در قرون وسطا وجود داشت یا تفکرات مادی از نوع پراگماتیسم امروز جهان، بلکه تفکری حاصل از افزایش نظام معرفتی که درهای دانش را به سوی انسان می‌گشاید (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۶۵). تمدنی شکوفا خواهد شد که بر اساس یک نظام فکری صحیح بنیان‌گذاری

شده باشد، عقلانیت و خردورزی بن‌مایه تمدن نوین اسلامی است (فرزانه، ۱۳۹۷: ۱۹۷). رهبر انقلاب بعثت پیامبر ﷺ را دعوت مردم به عرصه تربیت عقلانی، اخلاقی و قانونی دانسته و فرموده‌اند: «در درجه اول، تربیت عقلانی است. یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن، تا راه را با این مشعل تشخیص بدهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد» (بیانات در سالروز عید سعید مبعث، <https://www.leader.ir>، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

عقلانیت و خردورزی در پرتو علم و دانش به شکوفایی رسیده و می‌تواند راه‌های خرد را به درستی طی کند، به همین دلیل آیات قرآن به علم آموزی در اسلام اهمیت بسیار داده و آن را بر هر زن و مرد مؤمنی واجب کرده است، زیرا موجب تقوا و یقین و معرفت نفس و معرفت پروردگار و... است (امام جعفر ﷺ، ۱۴۰۰: ۱۳) و انبیاء برای استخراج گنجینه‌های عقل (امام علی ﷺ، ۱۴۱۴: ۴۳)^۱ در جامعه دامن همت به کمر زده تا انسان‌ها و جامعه را از جهل رهانیده و آن‌ها را به سوی کمال انسانی رهنمون شوند.

مقام معظم رهبری از روایت «العلم سلطان: علم اقتدار است» (امام علی ﷺ، ۱۴۰۴: ۳۱۳/۲۰) استفاده کرده و فرمودند: «هر کس این اقتدار را داشت، می‌تواند حرکت کند» (بیانات در دیدار نخبگان جوان <https://www.leader.ir>، ۱۳۸۹/۷/۱۴) و «هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، <https://www.leader.ir>، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). انبیای الهی نیز از طریق علم آموزی به امت خویش درصدد ارتقای امت به این حد بوده تا با افزایش علمی و عملی امت آن‌ها را به مقاصد دنیوی و اخروی الهی برسانند.

۳.۴. معنویت و اخلاق محوری

اخلاق الهی مبتنی بر بایدها و نبایدهایی است که از سوی خداوند متعال بر پایه

۱. «قال علی ﷺ: «أَنْبِيَاءٌ... يُبَيِّرُوا لَكُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ»، خطبه ۱.

اعتقادات توحیدی بنا نهاده شده است. یکی از اهداف قرآن شکل‌گیری اخلاق و رفتار الهی انسان‌ها بر روی زمین است. انبیاء برای اصلاح و تکمیل اخلاق انسانی در جامعه مبعوث شدند (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸).^۱ جامعه‌ای می‌تواند به پویایی و رشد برسد که افراد جامعه اصول، ارزشها و اخلاق را شناخته و با اجرای قوانین همگام با ارزش‌ها و اصول، جامعه را به سوی تکامل و معنویت پیش ببرند.

پیامبری می‌تواند مردم را به معنویت سوق دهد، که خود گرفتار مادیات نباشد، (قرائتی، ۱۳۸۸، ۴/۴۸۰) خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ: حجر/۸۸؛ به داشته‌های دیگران چشم مدوز»، و خدا از همان کودکی پیامبر ﷺ را تحت تعلیم ملکی قرار داد تا به وی مکارم اخلاق را آموزش دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۰/۵۰۵). رسول خدا ﷺ فرمود: «أمرت أن آخذ العفو من أخلاق الناس: من مأمور شدم به این که اخلاق متوسط مردم را پیشه کنم (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۸/۳۸۵).

امام صادق علیه السلام اخلاق نیکو را کنار نیکوکاری موجب آبادانی شهرها دانسته (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۰۰)^۲ که یکی از ارکان تمدن‌سازی در جوامع بشری است. اسلام که از ادیان تمدن‌ساز است، بر دو پایه اجرایی و ارزشی استوار است. نظام ارزشی اعم از ارزشهای فردی و اجتماعی در بردارنده همه جنبه‌های تربیتی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه است (بینش، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

این امر بیان‌گر آن است که اخلاق رکن و اساس تمدن الهی را تشکیل می‌دهد، به همین دلیل مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در یکی از سرفصل‌های دعوت جوانان، گرایش به معنویت و اخلاق را مدنظر قرار داده و فرموده: «معنویت به معنی برجسته‌کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت،

۱. «قال رسول الله ﷺ: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

۲. امام صادق علیه السلام: «الْبِرُّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ يَعْزِمَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ».

تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

برخی مسائل اخلاقی را تنها یک امر خصوصی یا منحصر در امور معنوی می‌دانند که در سرای دیگر اثرگذار است، درحالی‌که مسائل اخلاقی آثار مادی و معنوی در زندگی اجتماعی بشر دارد که جامعه انسانیت بدون آن‌ها مفهوم زندگی واقعی انسانی را از دست خواهد داد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵/۱).

نمونه عملی تأثیرگذاری رهبران الهی بر جوامع از راه اخلاق و معنویت، رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی علیه السلام است. ایشان در زمانی که سقوط اخلاقی، اخلاق و معنویت را در عالم منزوی گرده بود، با رویکرد دینی و اخلاقی دل‌های جوانان را به سود دین و اخلاق دگرگون کرد و مجاهدت‌های جوانان با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد (ر. ک: امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). امام خمینی با الگوگیری از شیوه انبیای الهی اخلاق و معنویت را محور انقلاب اسلامی قرار داده و رهبر انقلاب نیز بر این سیره پافشاری کرده و آن را یکی از اساسی‌ترین محورهای حفظ تمدن اسلامی دانسته‌اند.

۴.۴. قانون و عدالت محوری

قانون یکی از ارکان تغییرناپذیر تمدن الهی است که در قرآن تحت عنوان «سنت» از آن یاد شده است «آل عمران/۱۳۷» و «سنت» آن روشی است که باید در جامعه سیر شود (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲۱/۴). قوانین الهی بر اساس شریعتی است که از سوی خداوند متعال بر انبیای الهی نازل شده و اوصیای آن‌ها در صدد اجرای آن‌ها در جامعه برآمده‌اند. حضرت آدم علیه السلام نخستین بشر روی زمین، به عنوان نبی برگزیده شد، ولی اولین پیامبری که دارای کتاب و قانون و شریعت در جامعه بشری شد، حضرت نوح علیه السلام است که نخستین پیامبر

اولوا العزم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۹۸/۲)، زیرا در زمان ایشان جامعه بشری گسترده شده بود و برای ایجاد نظم در جامعه نیازمند قانونی فراگیر بود.

از دیدگاه اسلام تاریخ بر اساس ضوابط و قوانین سیر می‌کند که تحت تدبیر الهی استمرار دارد و سنت الهی غیر قابل تبدیل و دگرگونی است «فتح/۲۲». تحولات تاریخ، از صعود تا سقوط تمدن‌ها تابع ضوابط خاصی است که جامعه بشری در پرتو آگاهی از آن‌ها، زمینه سعادت‌مندی خود را فراهم می‌آورد. این ضوابط، واکنش در برابر عملکرد و کنش‌های جوامع هستند که بر اساس عملکرد فرد و جامعه محقق می‌شوند. بنابراین نیک‌بختی و بدبختی هر جامعه عکس‌العمل طبیعی کنش‌های اختیاری افراد و جامعه است (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۶/۲۰).

خداوند متعال به امت‌ها هشدار داده است که ملتی سرنوشت خود را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که خود موجب دگرگونی سرنوشت خود شوند. «رعد/۱۱» قوم سبأ نمونه تمدن درخشانی است که افراد آن از نعمت بهره‌مند شده، اما پس از تغییر افکار و اعمال، موجب ارتجاع خود و جامعه شده و نعمت‌ها را از دست داده و گرفتار سختی و بلا شدند. «سبأ/۱۷-۲۰».

از محورهای اساسی قوانین الهی، عدالت محوری است که یکی از ارکان تمدن الهی به شمار می‌رود. عدالت محوری در لسان و عملکرد تمام انبیای الهی نمود داشته و «در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) و آیات و روایات، تأکید چشمگیری بر اصل عدالت دارند^۱ و خداوند متعال، هدف از ارسال پیامبران را اجرای عدالت بیان کرده است «حدید/۲۵». نمونه آن را می‌توان در عملکرد پیامبر ﷺ دید، ایشان با بی‌عدالت‌های جاری در جامعه مبارزه کرده و بر اساس قوانین الهی در جوامع یهود و اسلام عمل کرده و حکم قصاص را در دو قبیله بنی قریظه و بنی نضیر به صورت مساوی به

۱. ظلم و ستم حدود ۲۹۰ بار در قرآن کریم تفسیر شده است.

اجرا درآورد، حال آن که پیش از این حکم قصاص تنها در مورد بنی قریظه به اجرا در می آمد، و بنی نضیر در این رابطه مصون بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴/۴۰۶).
 عدالت به بخش ویژه ای از ارکان تمدنی اختصاص ندارد و در تمامی ابعاد آن وجود دارد، ولی علت عمده حفظ سایر شاخصه های تمدنی می باشد. در تمدن الهی سعادت انسان ها به وسیله به کارگیری و اجرای عدالت تضمین شده و هدف از کارکرد عدالت و اجرای آن سعادت و هدایت انسان به سمت رشد توحیدی می باشد (ر.ک: کارگر، ۱۳۹۵، ۲۷/۱۷۰)، در مقابل کفرپیشگی به درگاه خداوند و مبارزه با انبیای الهی همواره موجب فروپاشی تمدن ها شده است.

۵.۴. سیاست

سیاست در لغت به معنای پاس داشتن ملک، نگاه داشتن حفاظت، نگاهداری، حراست، حکم راندن بر رعیت، رعیت داری کردن، حکومت، ریاست، داوری آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه مورد نظر) و در اصطلاح «اخلاق مردم باشد از راه ارشاد به راه راست و آن صفت انبیا است در باطن، و در ظاهر و راه و روش سلاطین و علماء است و قانون موضوعه برای رعایت آداب و مصالح و انتظام جوامع بشری است» (سجادی، ۱۳۷۳: ۲/۱۰۲۶).

سیاست الهی مبتنی بر آموزه هایی است که بر اساس فرامین الهی و عدالت محوری بنیان گذاری شده است. قرآن به عنوان جامع ترین و آخرین کتاب الهی، در مورد تشکیل حکومت و ضرورت آن «مائده/۴۰» و حتی اداره آن «حدید/۵۷، آل عمران/۱۵۳» نظرات بسیار دقیقی در آیات متعدد ذکر کرده است. سیاست پیامبران معطوف به هدایت جامعه است و آنان در صدد حاکم کردن اصول اخلاق انسانی در جامعه هستند که به آن اخلاق زمامداری یا اخلاق سیاسی می گویند که از مسائل کلیدی نظریه قدرت است (مفتح، ۱۳۸۷: ۲/۱۰۰).

پیامبرانی همچون حضرت سلیمان علیه السلام که حکومت تشکیل دادند، همراهی دین با

سیاست را در ادیان الهی به اثبات رساندند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۹۱/۸)، در زمان بنی اسرائیل نیز مردم برای نجات از دست طاغوت به پیامبر خود پناه برده و از او خواستند، امیری لایق برای آنان نصب کند که این امر بیان‌گر پیوستگی دین و سیاست در آیین‌های پیش از اسلام است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۲۴۷/۲). در دین اسلام نیز پیامبر ﷺ در عرصه حکومت، سیاست را بر اساس قوانین الهی در جامعه اجرایی می‌کرد که یکی از آن‌ها اعلام برائت از مشرکین بود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۹۶/۹، ۱۹۷).

پیامبران به عنوان بنیان‌گذاران سیاست اخلاقی باید چنان عادلانه عمل کنند، که اگر جای ایشان با مردم عوض شود، همان عمل را به عنوان مردم از جانب حاکم نسبت به خود و جامعه بپسندد. این سیاست اخلاقی مبتنی بر اخلاق سیاسی است (مفتح، ۱۳۸۷: ۲/۱۰۳، ۱۰۴). بنابراین انبیاء کامل‌ترین شکل سیاست را در جوامع تمدنی بنیان‌گذاری کرده‌اند که ناظر به ظاهر و باطن، خواص و عوام است (احمدی طباطبائی، ۱۳۸۰: ۱۴/۳۲).

۶.۴. اقتصاد

اقتصاد دینی مبتنی بر اموری است که بر اساس قوانین الهی بنیان‌گذاری شده است. قرآن مالک اصلی دنیا را خداوند متعال می‌داند «آل عمران/۱۰۹» که به انسان حق مالکیت اعتباری و دنیوی را عطا کرده است، از این رو حقوق اقتصادی دیگران محترم بوده و کسی حق ندارد آن را ناعادلانه به کار بندد «بقره/۱۸۸، نساء/۲۹».

از آنجاکه سرمایه اصلی در عالم هستی از آن خداوند متعال است و آن را در اختیار بشر قرار داده است، انبیای الهی، نمایندگان اصلی خدا در این زمینه بوده و آنان نیز به امر خداوند متعال به شکلی عادلانه در جامعه مدیریت و توزیع کرده و با شیوه‌های مخالف با دستورات الهی به مبارزه برخاسته‌اند.

پیامبر ﷺ طبق حکم الهی بعد از شکست بنی‌نضیر در صدد تقسیم غنائم برآمد، در حالی که عده‌ای از مسلمانان خواستار تقسیم غنائم طبق زمان جاهلیت بودند. خداوند به آنان اخطار داد که نباید اموال در دست ثروتمندان بگردد؛ این یک اصل اقتصادی در اسلام

است که در عین احترام به مالکیت خصوصی، اموال را به گونه‌ای در جامعه به گردش در می‌آورد که ثروت در دست گروهی متمرکز نشده و در جامعه به صورت عادلانه به تقسیم شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۵۰۱/۲۳).

مقام معظم رهبری در مورد نقش حاکمیت دین توسط انبیا می‌فرماید: «پیغمبران همه آمدند تا جامعه‌ای را بر اساس ارزشهای الهی به وجود آورند؛ یعنی در واقعیت زندگی مردم تأثیر بگذارند. بعضی توانستند و مبارزاتشان به نتیجه رسید؛ بعضی هم نتوانستند. این جنبه از زندگی پیغمبر که مظهر قدرت خدا در زمین و در میان بشر و مظهر حاکمیت و ولایت الهی در میان مردم است، استمرار پیدا می‌کند» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2751>، ۱۳۷۴/۲/۲۸).

۵. دستاوردهای انبیاء در تمدن‌سازی

ادیان الهی بر اساس نظام‌های ارزشی و اجرایی استوار هستند و انبیای الهی تمدن را بر اساس این پایه‌ها بنیان‌گذاری کرده و دستاوردهای زیادی داشته‌اند (ر.ک: وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۱۲۳/۳۴). نظام ارزشی اعم از ارزشهای فردی و اجتماعی دربردارنده همه جنبه‌های تربیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است (بینش، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

انبیا همراه با برآورده کردن نیازهای روحی بشر در قالب ادیان توحیدی، به نیازهای مادی و معیشتی مردم هم توجه می‌کردند. خداوند تأمین نیازهای ابزار رفاهی را به خود نسبت داده «اعراف/۲۵» و سایر نیازهای مادی انسان‌ها را در زمین فراهم کرده و امور مورد نیاز را مسخر و رام بشر کرده است «حج/۶۵» تا با استفاده از آن‌ها به کمال توحیدی برسد «لقمان/۲۲».

۱.۵. دستاوردهای حاکمیتی در عرصه فناوری‌های دنیایی

انبیای الهی با استفاده از امکانات دینی و دنیوی به تدریج تمدن‌ها را به وجود آوردند. حضرت آدم علیه السلام اولین پیامبر با آموزش الهی به کشاورزی و دامداری مشغول شد. حضرت ادریس علیه السلام اولین پیامبری بود که خط نوشت و خیاطی کرده و علم نجوم و حساب و هیأت را

آموزش داد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۰۲/۶). سایر پیامبران نیز با انجام کارهای مختلف به پیشرفت بشر در ایجاد تمدن یاری رساندند. حضرت نوح علیه السلام با نجاری، حضرت هود علیه السلام با تجارت، حضرت ابراهیم علیه السلام با چوپانی و کشاورزی، حضرت داود علیه السلام با زره‌سازی و آهنگری، حضرت سلیمان علیه السلام متخصص فن (حکومتداری) «سبأ/۱۲»، حضرت موسی علیه السلام کارگری و چوپانی، حضرت عیسی علیه السلام گردشگری، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با انجام کارهای مختلف (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۷/۱۰۰. سیوطی، ۱۴۰۴: ۵۷/۱) به گسترش علم و فناوری و تمدن و تکنولوژی کمک کردند.

برخی از انبیای الهی همچون حضرت سلیمان علیه السلام، «بقره/۱۰۲، نمل/۱۸۱۶، ص/۳۸۳۴»، داود علیه السلام «ص/ ۱۷. ۲۰ و ۲۶، بقره/۲۵۱»، ذوالقرنین «کهف/ ۹۸۸۳»، یوسف علیه السلام «یوسف/ ۵۴، ۵۶، ۱۰۱-۱۰۰»، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم «توبه/ ۸۶، نور/ ۵۴.۵۳ و ۵۶، احزاب/ ۱۳ و ۳۶، محمد/ ۳۳، تغابن/ ۱۲، ...» قادر به تشکیل حکومت شدند و گستره تمدن را از قوم و قبیله خود فراتر برده و به محدوده وسیعتر تحت سیطره خویش گسترش دادند.

هر یک از انبیای الهی بر اساس حرفه و شغل خود به پیشبرد اهداف دینی و دنیوی کمک کرده و تمدن را در سرزمین‌های خود به ارمغان آوردند. حضرت سلیمان علیه السلام با قدرت حاکمیتی که داشت از انس و جن برای ساختن بناهای عظیم بهره گرفت «سبأ/۱۳» ارگ بزرگ اورشلیم یکی از این آثار است که کتاب مقدس ساخت آن را در کوه صهیون گزارش کرده است و هم اکنون این اثر ارزشمند باقی است (Ishida, "Solomon", The Anchor Bible Dictionary, ۲۶ آوریل/۲۰۲۱م). وی با استفاده از هنرهای تجسمی «سبأ/۱۳» قصر آبنگینه‌ای ساخته بود که موجبات تعجب ملکه سبا را فراهم آورد «نمل/۴۴».

سد فولادین ذوالقرنین از دیگر آثار تمدنی است که از بزرگ مردان الهی باقی مانده است. این سد بین دریای خزر و دریای سیاه واقع شده و بقایای دیوار آهنی در این نواحی هست که احتمالاً همان سد کوروش یا ذوالقرنین باشد (باستانی پاریزی، <https://>

حضرت موسی علیه السلام با علم و حکمت به اصلاح جامعه نابسامان زمان خود پرداخت «قصص/۱۴». وی سیاست و تربیت را در هم آمیخت، با منطق و رسانه بر رقیبان غلبه یافت، با گسترش حوزه موحدان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد، با تثبیت پایه‌های حکومت به پیاده‌سازی فرهنگ نماز پرداخت، با دولتی مصلح و کارآمد به مدیریت فتنه‌ها و مدیریت بحران پرداخت (منتظر القائم و سلیمانی، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

اثر بزرگ تمدنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آغاز حکومت ایشان، ایجاد شهرنشینی و تمرکز دولت اسلامی بود که با عنوان مدینه النبی با محوریت ساخت مسجدالنبی آغاز گردید (بحرانی، ۱۴۱۵: ۸۴۷/۲. سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۷۷/۳). حضرت محمد صلی الله علیه و آله در زمانی که اقتصاد، بهداشت، سیاست و... جایگاهی در جامعه آن زمان نداشت؛ برای مدیریت اقتصادی مردم را به بازرگانی، صنایع، کسب سود و اصلاح امور معیشت و حفظ اموال و ثروت دعوت می‌کرد (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۵۶/۳، ۱۶۶، ۱۶۷ و ۱۹۲) و پرداخت مالیات را برای پیشبرد جامعه از طریق خمس «انفال/۴۱»، زکات «نساء/۱۶۲»، جزیه «توبه/۲۹»، ... را ارائه کرد. وی از لحاظ بهداشتی، استحمام، مسواک، ... (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۷۴.۳۷۶) و از لحاظ سیاسی تعامل با حکومت‌های ایران (مسعودی، بی‌تا: ۲۲۵) و روم و... را بنیانگذاری نمود. ایشان از لحاظ نظامی، لشکرهای عظیم مسلمانان را به وجود آورد و یکی از نوآوری‌های پیامبر کندن خندق در جنگ احزاب بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۳/۸) که کمک شایانی به پیروزی سپاه اسلام کرد.

۲.۵. دستاوردهای حاکمیتی خرد و کلان در عرصه اجرای قوانین الهی

مهم‌ترین هدف انبیا، هدایت انسان‌ها به سوی کمال نهایی از طریق کسب کمالات در دنیا بوده است، به همین دلیل آن‌ها از امکانات مادی برای سعادت اخروی انسان‌ها استفاده می‌کردند. در رأس اهداف انبیا، توحید و سپس تزکیه و تعلیم انسان‌ها، استقرار عدالت و ایجاد حیات طیبه به معنای رشد و شکوفایی عقل و علم، آرامش روحی، آسایش مادی و بالاتر از همه تکامل معنوی بشر است (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت

عید مبعث (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱). جنبه اقتدار الهی، حاکمیت دین و اراده پروردگار در میان بشر راز تداوم معارف انبیا، کلمه توحید و فضایل و ارزشهای دینی است (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۵: https://www.leader.ir/fa/speech/1228) در قلمرو حیات اجتماعی، هدف رسیدن به عدالت اجتماعی است و انبیای الهی به سمت عدالت به معنای کلی سیر کرده‌اند، ولی بشر امروزی در پی قسط به این معناست که عدل خرد شده و به شکل عدالت اجتماعی درآید. هدف انبیا در قلمرو زندگی اجتماعی مقدمه‌ای برای رسیدن به همان هدف در قلمرو فردی یعنی تحول درونی افراد است (خامنه‌ای بیانات در کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۱: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3089). خدا به انسان‌ها دستور داده که به قسط عمل کنند «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» و این امر به عنوان یک قانون کلی برای همه انسان‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۶۲/۴) و به پیامبر خویش نیز دستور اجرای قسط می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۴۳/۶)، پیامبر نه تنها در مجامع عمومی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۳۹/۲۳) که در معاشرت با همسران نیز عدالت را رعایت می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۸۶/۱۷).

یکی از ابزار کاربردی پیشرفت مادی و معنوی «علم» است که انبیای الهی با کسب علم از درگاه الهی آن را در اختیار سایر انسان‌ها نهاده و به تناسب درک انسان‌ها به ترویج علوم در عصر خویش پرداخته‌اند. «انبیاء/۱۵۱» حضرت آدم علیه السلام علم را به صورت مستقیم و کامل از خدا آموخت «بقره/۳۱» و حضرت ادریس اولین شخصی است که با قلم نوشت (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۲۴/۲) و آغاز دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با خواندن «علق/۱» آغاز شد و خدا در قرآن به «قلم» قسم یاد کرد «قلم/۱». بنابراین عرصه علم و فرهنگ یکی از اساسی‌ترین مقوله‌های تمدن دینی انبیاء محسوب می‌شود. انبیاء برای زدودن جهل در جامعه مبعوث شده‌اند، جهلی که مقابل عقل است نه علم؛ زیرا گاهی علم در خدمت جاهلیت قرار می‌گیرد، مثل دنیای امروز که دانش بشری در خدمت جاهلیتی قرار گرفته که انبیاء در صدد زدودن آن

بوده‌اند. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۵/۲/۱۶
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33011>)

رشد و تعالی جامعه در سایه امنیت فردی و اجتماعی کسب می‌شود و پیامبرانی که به حاکمیت در سطح کلان دست یافتند، در سطوح عالی با مبارزه با مستکبران برآمده و سایر انبیا نیز در حد خود این مهم را پیگیری کرده‌اند، زیرا حاکمان غیر الهی به دلیل دنیا طلبی همواره موجب فساد و از بین رفتن امنیت افراد بوده‌اند «نحل/۳۴». انبیا بر اساس قوانین الهی در صدد ایجاد نظام سیاسی بوده‌اند، زیرا از طریق استقرار آیین حکمرانی، امکان مدیریت و راهبری این مسئولیت سنگین فراهم می‌آید (امام خامنه‌ای ۱۳۹۹/۱۱/۲۱؛ بیانات در سخنرانی به مناسبت عید مبعث، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510>)

پیامبران در کنار دعوت توحیدی وظیفه داشتند تا مردم را از طاغوت‌ها نجات دهند «نحل/۳۶» و با طاغوت مبارزه کنند «نساء/۷۶». وجود و هویت پیامبران در امتداد تاریخ جریان دارد و این جریان در تعلیم و دین و راه آن‌ها ادامه پیدا می‌کند و به این ترتیب دین و معارف انبیا هم‌اکنون در دنیای امروز مشاهده می‌شود، و معارف والای بشری زاینده تفکرات پیامبران است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۰؛ بیانات در اعضای برگزارکننده ستاد رحلت امام، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3294>)

خداوند متعال عبرت‌آموزی از حکومت‌های گذشته را به انسان گوشزد کرده «آل عمران/۱۳۷» تا امت‌ها با مرور تاریخ گذشتگان دوباره مرتکب خطای آنان نشوند «یوسف/۱۳۹».

نتیجه‌گیری

تمدن در جوامعی شکل می‌گیرد که از حالت ابتدایی خارج شده و دارای ابعاد مختلف اجتماعی شده باشند. انسان‌ها در این جوامع برای پیشرفت نیازمند ارتباط با خود، محیط و هم‌نوعان بوده و از این طریق سازه‌های تمدنی شکل می‌گیرد. در جوامع الهی، نقطه اتصال

این سازه‌ها از طریق انبیا به منبع قانون‌گذاری یعنی خداوند متعال امکان‌پذیر می‌گردد. بعثت پیامبران در هر جامعه بر ارکان تمدنی آن جامعه استوار می‌گردد که محوریت آن جهان‌بینی توحیدی است که باید در آن جامعه تسری یافته و بر آن اساس سایر ارکان تمدنی شکل گیرد. اجرای قوانین الهی با پذیرش مردم در جامعه متمدن امکان‌پذیر می‌گردد که این ارکان مبتنی بر عقلانیت بوده و ارتباط مردم با ماوراء از طریق ایجاد معنویت شکل می‌گیرد. اجرایی کردن تمدن الهی در جامعه بر پایه قوانینی است که بر اساس عدالت‌محوری شکل گرفته و اقتصاد و سیاست نیز همگام با آن برنامه‌ریزی شده باشند.

انبیای الهی در طول تاریخ متناسب با اقوام مختلف درصدد اجرای این تمدن الهی بوده‌اند که هر یک از عملکردهای پیامبران، بخشی از مسیر امروزی تمدن الهی را بر انسان‌های معاصر هموار می‌سازد. هرچند تمامی پیامبران موفق به ایجاد حکومت نشدند، اما انبیای الهی که به امور حکومتی دست یافتند، هر یک دستاوردهای مختلفی برای آیندگان به ارمغان آوردند.

پیامبران در جهت توسعه دنیای مردم به فناوری‌های مختلفی دست یافتند که تنها برخی از آن‌ها در اختیار آیندگان قرار گرفت و در بسیاری موارد فقط اخبار آن‌ها به این نسل رسیده و قابل تجزیه و تحلیل توسط انسان معاصر است. اجرایی کردن قوانین الهی یکی از مهم‌ترین وظایف انبیا بوده که موجب سامان بخشیدن به دین و دنیای مردم بوده است؛ مجموع این دستاوردهای حاکمیتی، برنامه‌ای منسجم از تمدن‌سازی در حال حاضر در اختیار بشر قرار داده است.

استفاده از مجموع این دستاوردها را می‌توان در انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام یافت که سعی در استفاده بهینه از مجموع دستاوردهای دینی و دنیوی انبیاء و ائمه اطهار را فرا روی خود قرار داد. مقام معظم رهبری علیه السلام به‌عنوان ادامه‌دهنده راه امام خمینی علیه السلام از آموزه‌های الهی استفاده کرده و در این مسیر نه تنها پس از حضرت امام علیه السلام، به این آموزه‌ها در ایران اسلامی عمل کرد، بلکه نقشه راه را فراتر از این قرار داده و با ارسال

پیامی تمامی، جوانان غرب را به این راه دعوت نمود. ایشان پس از چهل سالگی انقلاب، گام دوم انقلاب اسلامی را جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی قرار داد تا جوانان با استفاده از این کلان‌پروژه، قدم در راه وسیع‌تری نهاده و جامعه‌ای درخشان از معنویت و پرهرو از لحاظ دینی و دنیوی را در پرتو انوار الهی بسازند و در این راه گام‌های بلندی در این انقلاب برداشته و عصر جدیدی را در این عالم آغاز کرده و سبک زندگی اسلامی را در دنیا فراگیر کنند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.
۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹ق، محقق: طیب، اسعد محمد، عربستان-ریاض، چاپ سوم، مکتبه نزار مصطفی الباز.
۴. ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، چاپ اول، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۱۳۸۵ش، علل الشرایع، قم، چاپ اول، کتاب فروشی داوری.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۱۳۶۲ش، الخصال، محقق: مصحح: علی اکبر غفاری، قم، چاپ اول، جامعه مدرسین.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، محقق: مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، ج ۳، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ابن خلدون، عبد الرحمن بن خلدون (م ۸۰۸)، ۱۳۷۵ش، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، چاپ هشتم، انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸م، جمهرة اللغة، بیروت، چاپ اول، دارالعلم للملایین.
۱۰. ابن سعد، محمد بن سعد الهاشمی البصری (م ۲۳۰)، ۱۹۹۰/۱۴۱۰، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، چاپ اول، دارالکتب العلمیة.
۱۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ق، محقق: مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، چاپ سوم، دارصادر.
۱۳. احمدی طباطبائی، سید محمد رضا؛ تابستان ۱۳۸۰، «پیوند اخلاق و سیاست در اندیشه غزالی»، مجله: علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۴.
۱۴. اداره کل معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما، تابستان ۱۳۸۲، «ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در اعتلای مجدد تمدن اسلامی»، فصلنامه مدیریت فردا، سال اول، شماره ۱.
۱۵. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ۱۴۲۱ق، بیروت، چاپ اول، داراحیاء التراث العربی.

۱۶. اسلامی فرد، زهرا، ۱۳۸۹، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، چاپ دوم، دفتر نشر معارف.
۱۷. امام جعفر صادق علیه السلام، امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعة؛ بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۱۸. امیری، مهدی، بی تا، «ابعاد و پیامدهای جهانی شدن»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۳۰.
۱۹. آل بویه، طاهره، ۱۳۸۸، «ارتباط انسان با خدا»، نامه جامعه، شماره ۵۹.
۲۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، چاپ اول.
۲۱. بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵ ش، فرهنگ ابجدی، ۱ جلد، تهران، چاپ دوم، اسلامی.
۲۲. بهشتی، محمد، ۱۳۶۹ ش، فرهنگ صبا، چاپ دوم، بی جا.
۲۳. بینش، عبدالحسین؛ ۱۳۸۸، آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ اول، انتشارات زمزم هدایت.
۲۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <https://www.leader.ir/fa>.
۲۵. ترکی، محمد علی؛ ۱۳۹۸، «فرهنگ، علم و اقتصاد؛ ارکان تمدن نوین اسلامی»، خبرگزاری بین المللی قرآن، iqna.ir.
۲۶. جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۷، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی، نشر: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، چاپ دوم، دفتر نشر معارف.
۲۷. جعفری، علامه محمدتقی، ۱۳۷۳، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶، تهران، بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ ق، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، چاپ اول، اعلمی.
۲۹. حسینی زاده، سید عبد المجید، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، «کشتی نوح در قرآن، تورات و روایات اسلامی و یهودی»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره سوم.
۳۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، قم، چاپ چهارم، اسماعیلیان.
۳۱. حییم، سلیمان، ۱۳۶۹، دیگشنری انگلیسی-فارسی، بی جا، فرهنگ معاصر.

۳۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، «بیانیه گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>.

۳۳. خامنه‌ای، سید علی، <https://www.leader.ir>.

۳۴. خزایی، حسین؛ ۱۳۸۷، «هویت و فرهنگ در عرصه فرهنگی ایران»، شماره ۷۰، زمانه.

۳۵. خمینی، روح الله، بی‌تا، صحیفه امام، تهران، جلد ۴، بی‌چا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.

۳۶. دهخدا، ۱۳۷۷ش، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ اول، دانشگاه تهران.

۳۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۴ جلد، تهران، چاپ دوم، مرتضوی.

۳۸. رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷ش، قم، چاپ اول، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

۳۹. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۳۸۶ش، مقدمه الادب، تهران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.

۴۰. سجادی، جعفر؛ ۱۳۷۳ش، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، چاپ سوم، کومش.

۴۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، چاپ اول، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله علیه.

۴۲. شکرانی، یاسین؛ ۱۳۹۶، تمدن، حمید رضا؛ «واکاوی نقش تعلیم و تربیت مبتنی بر قرآن کریم در تمدن‌سازی اسلامی»، همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، دوره ۱، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، www.Sid.ir.

۴۳. صاحب، اسماعیل بن عباد؛ ۱۴۱۴ق، المحيط فی اللغة، محقق / مصحح: آل یاسین، محمد حسن، بیروت، چاپ اول، عالم الکتب.

۴۴. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ۹، ۱۹، لبنان - بیروت، چاپ دوم، مؤسسه الأعلمی للطبوعات.

۴۵. طبرسی، حسن بن فضل؛ ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش، مکارم الاخلاق، قم، چاپ چهارم، الشریف الرضی.

۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبائی، هاشم رسولی، تهران، چاپ سوم، ناصر خسرو.

۴۷. عسکری، مرتضی؛ ۱۳۸۶، عقاید در اسلام، مترجم: کرمی، محمدجواد؛ تهران، چاپ اول، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۴۸. عیسی زاده، عیسی؛ زمستان ۱۳۹۶، «عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن»، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال دوم، شماره ۶.
۴۹. غضنفری، دکتر علی؛ ضرغام، محمد؛ بهار و تابستان ۱۳۹۷، «ارتباط انسان با خویش در سبک زندگی ایمانی در فرهنگ قرآنی»، پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، شماره ۱.
۵۰. فرزانه، محمد باقر؛ خیاط، علی؛ صفرپور، هادی؛ پاییز و زمستان ۱۳۹۷، «تبیین ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و چهارم، شماره سوم، (پیاپی ۱۱۸).
۵۱. فریدون رضائی، مرتضی اکبری، بهار و تابستان ۱۳۹۴، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)»، دو فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۵.
۵۲. فعالیت‌های اقتصادی پیامبران، ۱۶ بهمن ۱۳۹۴، خبرگزاری بین المللی قرآن، <https://iqna.ir>، کد خبر: ۳۴۷۲۷۴۵.
۵۳. فوزی، یحیی؛ صنم‌زاده، محمود رضا؛ زمستان ۱۳۹۱، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۹.
۵۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۳۸۸ ش، تهران، چاپ اول، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵۵. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ ش، قاموس قرآن، ۷ جلد، تهران، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه.
۵۶. کارگر، محمود؛ پاییز ۱۳۹۵، «جایگاه عدالت در تمدن‌سازی از منظر فارابی، امام و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، ویژه علوم سیاسی، ش ۲۷.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ ۱۴۰۷، الکافی، محقق: مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامیه.
۵۸. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ۱۳۳۴، ترجمه سید محمد تقی فخر، تهران، چاپ چهارم، انتشارات علمی.
۵۹. لطیفی، رحیم، تابستان ۱۳۸۶، «اثبات امامت و واسطه فیض»، فصلنامه مشرق موعود، سال اول، شماره دوم.

۶۰. لوکاس، هنری، ۱۳۸۴، تاریخ تمدن، جلد ۱، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، چاپ ششم، سخن.
۶۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی.
۶۲. محمدی، سید محمد حسین؛ ۱۳۸۷، «اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها»، تاریخ درآیین پژوهش، شماره ۲۰.
۶۳. مسعودی، علی بن حسین (م ۳۴۵)، بی تا، التنبیه والاشراف، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، (افست قم: مؤسسه نشر المنابع الثقافه الاسلامیه).
۶۴. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۶۵. مطهری، مرتضی؛ بی تا، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، بی جا، انتشارات صدرا.
۶۶. معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ معین، ۶ جلدی، بی جا، امیرکبیر.
۶۷. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ق، قم، چاپ اول، دار الکتب الاسلامیه.
۶۸. مفتاح، محمد هادی؛ تابستان ۱۳۸۷، «اخلاق سیاسی در رفتار پیامبر ﷺ»، فصلنامه علوم حدیث، سال سیزدهم، شماره ۲.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ ۱۳۸۷، اخلاق در قرآن، ۳ جلدی، جلد ۱، قم، بی جا، انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
۷۰. منتظر القائم، اصغر؛ سلیمانی، زهرا؛ زمستان ۱۳۸۹، «تمدن سازی انبیای ابراهیمی؛ فتنه ها و راهکارها (مطالعه موردی؛ حضرت موسی علیه السلام)»، تاریخ درآینه پژوهش، سال هفتم.
۷۱. مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف. ۱۳۹۹/۱۰/۲۸. <http://isin.ir>.
۷۲. وحیدی منش، حمزه علی، ۱۳۸۶، «عناصر تمدن ساز دین اسلام، حوزه های تخصصی علوم اسلامی منطق، فلسفه و کلام اسلامی کلام دین پژوهی فلسفه دین، معرفت شماره ۱۲۳.
۷۳. ویکی پدیا، «ذوالقرنین»، ۱ فوریه ۲۰۱۸، به نقل از کتاب ذوالقرنین و کوروش کبیر نوشته مولانا ابوالکلام آزاد، ترجمه باستانی پاریزی، <https://fa.wikipedia.org>.
۷۴. ویکی پدیا، ۲۶ آوریل ۲۰۲۱م، «سلیمان»، Ishida, "Solomon", The Anchor Bible Dictionary.

بخش دوم

جامعه و تمدن نوین اسلامی
